

وثاقت سهل بن زیاد آدمی رازی در رجال و استنباط فقهی

□ محمد جاوید نظری *

چکیده

با توجه به کثرت روایات سهل بن زیاد آدمی رازی و تأثیر آن در استنباط فقهی، در بخش اول این تحقیق، اقوال رجالیین درباره سهل نقل شده است و در بخش دوم اندیشه برخی از فقهاء در مورد تضعیفاتی که به او نسبت داده شده بیان گردیده است. بخش سوم هم با طرح ده نکته با هدف نقد کلام رجالیین و اثبات وثاقت سهل بن زیاد ایجاد شده است. با توجه بررسی و تحلیل اقوال رجالیین و فقهاء، دیدگاه حق این است که روایات سهل بن زیاد موثق مورد پذیرش است و در تضعیف وی زیاده روی شده است.

واژگان کلیدی: سهل بن زیاد آدمی رازی، مشایخ اجازه، توثیق، تضعیف.

مقدمه

فقیه در مسیر استنباط فقهی به مقدماتی نیاز دارد، که دانش رجال از جمله این مقدمات است؛ به این دلیل که از یک طرف، مُعظم احکام فقهی با روایات آحاد ثابت می‌شود و از طرف دیگر می‌دانیم که روایات از دسّ و جعل دسیسه‌گران و جاعلان حدیث در امان نمانده است و افرادی بوده‌اند که به نام راویان احادیث، روایات دروغین را به معصوم علیه السلام نسبت داده‌اند و یا در میان ناقلان حدیث، اسامی مشترکی (مثل عبدالله بن سنان) می‌باشد که ممکن است یکی ثقة و دیگری ضعیف باشد. (الخوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۲۱۷).

علم رجال دانشی است که در جداکردن روایات جعلی از غیر جعلی نقش اساسی دارد. این دانش مسئولیت بررسی احوال راویان را - از جهت قابل پذیرش بودن روایات آنان - بر عهده دارد.

الرجال: علم یبحث فیہ احوال الرواة من حیث اتصافهم بشرائط قبول أخبارهم و عدمه (السبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، ۱۴۴۲ق، ص ۱۳).

علم الرجال: علم یبحث فیہ عن أحوال الرواة التي لها دخل فی اعتبار روایاتهم و عدمه، من الوثاقة و الصدق و الضعف و المیز، و الاشتراک و نحوها (المحسنی، محمد آصف، بحوث فی علم الرجال، قم، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

با این مقدمه؛ ابوسعید سهل بن زیاد آدمی رازی از جمله رجال حدیث است که در توثیق و تضعیف او جای بحث است و با وجود این که از طرف برخی از مشاهیر رجالی متقدم تضعیف شده است، اما به دلایلی که خواهیم گفت نمی‌توان به راحتی از کنار آن عبور کرد و آن را پذیرفت. به همین جهت با بررسی و تحلیل اقوال رجالیون، شخصیت سهل بن زیاد و اقوال فقهاء در مقام استنباط، به این سوال اساسی پاسخ خواهیم داد که آیا تضعیف ابن زیاد، مبنای مُحکمی دارد یا این که با قرائن معتبر می‌توان وثاقت او را به اثبات رساند؟

پس این تحقیق دارای سه مرحله کلی می‌باشد؛

۱. بیان اقوال مؤلفین کتب رجال الحدیث
۲. چگونگی رویه فقیهان با روایات سهل بن زیاد
۳. نقد و بررسی اقوال فوق

اهمیت تحقیق

اهمیت بررسی این مسأله از آن جهت است که به گفته آیت الله خویی، نام ابوسعید سهل بن زیاد آدمی رازی در اسناد ۲۳۰۴ روایت (الخویی، السید ابوالقاسم الموسوی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۹، ص ۳۵۸). و بنابر تحقیق درایة النور در ۵۵۳۳ سند به عنوان مروی عنه (درایة النور، موسسه تحقیقات کامپیوتری نور). آمده است. لذا تضعیف و توثیق او نقش اساسی در استنباطات فقهی دارد و قطعاً فتوا و گرایش مجتهدی که روایات سهل بن زیاد را معتبر می‌داند با مجتهدی که چنین نیست تفاوت آشکاری خواهد داشت که نمی‌توان به سادگی از آن عبور کرد. با حفظ این مقدمه، در این تحقیق به جستجوی پاسخ سؤالات زیر خواهیم رفت:

۱. سهل بن زیاد کیست؟
۲. سهل بن زیاد در منابع رجالی چه جایگاهی دارد؟
۳. فقهاء با روایات سهل چه رفتاری دارند؟
۴. نتیجه کلی تحقیق بر توثیق سهل است با تضعیف آن؟

معرفی اجمالی سهل بن زیاد

سهل بن زیاد آدمی رازی، مکنّی به ابوسعید، از امام حسن عسکری، امام هادی (البرقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، رجال البرقی، ص ۵۸ و ۶۰) و امام جواد علیه السلام، روایت کرده (الکشی، محمد بن عمر. اختیار معرفة الرجال، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۳۷). و امامی مذهب بوده است. ابتداء در قم و سپس در ری می‌زیسته و در نیمه ربیع الآخر سال ۲۵۵ ق با امام حسن عسکری علیه السلام هم مکاتبه ای داشته. نجاشی می‌افزاید احمد بن محمد بن عیسی اشعری، او را به دلیل غلو و کذب از قم اخراج و به شهر ری تبعید کرده. دو کتاب التوحید و النوادر از آثار سهل بن زیاد است. (النجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۵). به گفته ابن غضائری، احمد بن محمد بن عیسی از او اظهار برائت کرده و مردم را هم از شنیدن روایت او از نهی کرد. وی می‌افزاید سهل روایات مرسل را نقل و به راویان مجهول اعتماد می‌کرده. (ابن‌غضائری، احمد بن حسین، الرجال لابن‌الغضائری، ۱۳۸۰، ص ۶۶)

سهل بن زیاد در منابع رجالی

کشی: (متوفای حدوداً ۳۴۰ ق)

علی بن محمد قُتیبی می گوید: که فضل بن شاذان از سهل بن زیاد راضی نبوده و می گفته او احمق است. (الکشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال. ج ۲، ص ۸۳۷)

ابن غضائری: (متوفای ۴۵۰ ق)

سهل بن زیاد آدمی رازی جِدّاً ضعیف و فاسد الروایت و الدین است و احمد بن محمد بن عیسی اشعری هم او را از قم اخراج کرده و ... (ابن غضائری احمد بن حسین. الرجال لابن الغضائری، ص ۶۶)

نجاشی: (متوفای ۴۵۰ ق)

سهل بن زیاد أبو سعید الّآدمی الرازی: كان ضعيفاً في الحديث، غير معتمد فيه. و كان أحمد بن محمد بن عیسی یشهد علیه بالغلو و الكذب و أخرجه من قم إلى الری و كان يسكنها، و قد كاتب أبا محمد العسكري عليه السلام علی يد محمد بن عبد الحميد العطار للنصف من شهر ربيع الآخر سنة خمس و خمسين و مائتين. ذكر ذلك أحمد بن علی بن نوح و أحمد بن الحسين رحمهما الله. له كتاب التوحيد، رواه أبو الحسن العباس بن أحمد بن الفضل بن محمد الهاشمی الصالحی عن أبيه عن أبي سعید الّآدمی. و له كتاب النوادر، أخبرناه محمد بن محمد قال: حدثنا جعفر بن محمد، عن محمد بن يعقوب قال: حدثنا علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، و رواه عنه جماعة. (النجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ص ۱۸۵)

سهل به زیاد در حدیث ضعیف و غیر معتمد است. احمد بن محمد بن عیسی اشعری بر غلو و کذب او شهادت داده و او را از قم به شهر ری تبعید کرده و ...

طوسی: (متوفای ۴۶۰ ق)

از شیخ طوسی بنابر آثار او درباره سهل، دو دیدگاه به ما رسیده است؛ دیدگاه اول: در کتاب (رجال) ایشان است که سهل بن زیاد را توثیق کرده است و دیدگاه دوم؛ در کتاب فهرست است

وثاقت سهل بن زیاد آدمی رازی در رجال و استنباط فقهی □ ۹۱

که بر خلاف کتاب قبلی، سهل در آن توسط او تضعیف شده است.

رجال الطوسی: سهل بن زیاد الآدمی: یکنی أبا سعید، ثقة، رازی. (طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، ۱۴۲۷، ص ۳۸۷).

الفهرست: سهل بن زیاد الآدمی الرازی، یکنی أبا سعید، ضعیف. له کتاب. أخبرنا ابن أبی جید، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد بن یحیی، عن سهل. ورواه محمد بن الحسن بن الولید، عن سعد و الحمیری، عن أحمد ابن أبی عبد الله، عن سهل بن زیاد. (طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۲۸).

وَأَمَّا الْخَبْرُ الْأَوَّلُ فَرَأَوِيهِ أَبُو سَعِيدِ الْآدَمِيِّ وَ هُوَ ضَعِيفٌ جَدًّا عِنْدَ نَقَادِ الْأَخْبَارِ وَ قَدْ اسْتَثْنَاهُ أَبُو جَعْفَرِ بْنِ بَابَوَيْهِ فِي رِجَالِ نَوَادِرِ الْحِكْمَةِ (طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. ج ۳، ۱۳۶۳، ص ۲۶۱)

محقق حلّی: (متوفای ۶۷۶ق)

محقق حلّی هم در موارد متعددی نسبت ضعف را به سهل بن زیاد داده (المحقق الحلّی، شیخ نجم‌الدین جعفر بن الحسن بن یحیی بن سعید، المعتمد فی شرح المختصر، قم، الاولی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۶۱ و ۲۸۸ و ۳۴۷)

محقق خوئی: (متوفای ۱۴۱۳ش)

ایشان بعد از نقل و بررسی اقوال رجالیین و نیز اختلاف دیدگاه شیخ طوسی در دو کتاب فهرست و رجال ایشان، درباره سهل چنین می‌نگارد:
نهایتاً این که سهل بن زیاد آدمی قطعاً ضعیف است یا حداقل وثاقت او ثابت نشده است (خوئی سید ابوالقاسم، ج ۹، ص ۳۵۶).

استثنای سهل از راویان کتاب نواذر الحکمه

یکی از مطالبی که شبهه تضعیف سهل بن زیاد را به وجود می‌آورد این است که او از جمله افرادی است که توسط بن ولید، استاد شیخ صدوق از توثیق راویان نواذر الحکمه استثناء شده.

ابوالعباس بن روح و ابوجعفر بن بابویه هم از این استثناء تبعیت کردند. شیخ صدوق صرفاً نسبت به استثنای محمد بن عیسی بن عبید اعتراض کرده در حالی که اگر افرادی دیگری از مستثنیات را هم ثقه می دانست حتماً اعتراض می کرد.

... وَ قَدْ اسْتَشْنَاهُ أَبُو جَعْفَرِ بْنِ بَابُوِيَهٍ فِي رِجَالِ نَوَادِرِ الْحِكْمَةِ (الطوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. ج ۳، ص ۲۶۱).

و كان محمد بن الحسن بن الوليد يستثنى من رواية محمد بن أحمد بن يحيى ما رواه عن محمد بن موسى الهمداني، ... أو عن سهل بن زياد الآدمي، ... قال أبو العباس بن نوح: وقد أصاب شيخنا أبو جعفر محمد بن الحسن بن الوليد في ذلك كله و تبعه أبو جعفر بن بابويه رحمه الله على ذلك إلا في محمد بن عيسى بن عبید فلا أدرى ما رآه فيه، لأنه كان على ظاهر العدالة و الثقة. (النجاشي، احمد بن علي، رجال النجاشي، ص ۳۴۸)

آنچه که از رجالیان متقدم به دست می آید این است که سهل بن زیاد ضعیف است و نمی شود به او اعتماد کرد. حال باید دید که رویه فقیهان در مقام استنباط با او چگونه بوده.

سهل بن زیاد در استنباط فقهی

همان طور که در ابتدای مقاله گفته شد، ممکن است یک راوی در کتب رجالی تضعیف داشته باشد اما فقیه، در مقام اجتهاد و استنباط با جمع آوری قرائن و شواهد متعدد به این نتیجه برسد که او موثق و قابل اعتبار است. به همین جهت، درباره سهل بن زیاد به تضعیفات رجالیون اکتفاء نکردیم و در این بخش دیدگاه چند نفر از اعلام فقه را درباره او نقل کرده و سپس، مجموع اقوال و گفته ها درباره او در عرصه تحلیل و تدقیق قرار خواهد گرفت.

صاحب مفتاح الكرامه

مرحوم عاملی در مسأله حفر زمین موات و تصرف آن، بدون قصد ملک، می گوید این کار موجب ضمان نیست. ایشان در این فتوا به حسنه زراره استناد کردند و وجود سهل بن زیاد را مانع اعتبار روایت ندانستند و می گوید فی سهل سهل.

وإن حفرها فی موات ینتفع بها و یتصرف فلم یقصد الملك مثل أن نزل بالمکاری بدوی

أومار فی قافلة فلا ضمان أيضا لأنه ما تعدى بالحفر وفي حسنة زرارة لأن الأمر في سهل
سهل عن أبي عبد الله عليه السلام قال لو أن رجلا جفر بثرا في داره ثم دخل داخل فوق
فيها لم يكن عليه شيء ولا ضمان ولكن ليغطيها (الحسيني، عاملي محمد جواد بن محمد.
مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط. القديمة) ج ۱۰، ص ۲۹۲)

صاحب جواهر الكلام

صاحب جواهر در مسأله فردی که [گناه موجب] حد شرعی را بر خود اقرار کرده روایتی را از
امام باقر علیه السلام نقل می کند که در سند آن نام سهل بن زیاد هم است:

نعم لو قيل: إن حكمه متى أجمل ضرب حتى ينهي عن نفسه كما عن القاضي و ظاهر
الشيخ لخبر [محمّد بن يعقوب عن عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد و عن علي بن
إبراهيم عن أبيه جميعاً عن ابن أبي نجران عن عاصم بن حميد عن] محمد بن قيس عن
الباقر علیه السلام «إن أمير المؤمنين علیه السلام أمر على رجل أقر على نفسه بحد و لم يسم أن يضرب
حتى ينهي عن نفسه» (حر العاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصيل
مسائل الشريعة. ج ۲۸، ص ۲۸۸) اتجه حينئذ عدم التكليف بالبيان، لعدم الاجمال حينئذ
في الشرع، و لعله كذلك لصحة الخبر المزبور و عمل المشهور به في الجملة.

و ما في المسالك - من المناقشة في سنده باشتراك محمد بن قيس بين الثقة وغيره و
في مجمع البرهان بأن في سنده سهلا - مدفوع بإرادة الثقة منه هنا بالقرائن المفيدة
لذلك، كرواية عاصم بن حميد عنه و غيرها، و أن الأمر في سهل سهل (. صاحب
جواهر محمد حسن بن باقر. جواهر الكلام (ط. القديمة). ج ۴۱، دار إحياء التراث

العربي، ص ۲۸۶.)

سند این روایت در مسالك (شهيد ثانی زین الدین بن علی. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام،
ج ۱۴، ۱۴۱۳، ص ۳۴۶) به دلیل محمد بن قيس که بين ثقہ و غير ثقہ مشترک است و نیز در
مجمع البرهان (مقدس اردبیلی احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان. ج ۱۳،
ص ۳۲) به دلیل وجود سهل بن زیاد، مورد مناقشه قرار گرفته است، اما صاحب جواهر می گوید
مراد از محمد بن قيس در این جا به دلیل وجود قرائن از جمله روایت عاصم بن حميد از او،
همان محمد بن قيس ثقہ است و هم چنین امر در سهل سهل است.

امام خمینی

امام خمینی با وجود تضعیف سهل بن زیاد توسط نجاشی، سه شاهد بر وثاقت سهل بن زیاد می‌آورد که به عقیده ایشان، اطمینان به وثاقت سهل با این قرائن، فوق اطمینانی است که به وسیله توثیق رجالیون در سایر موارد حاصل می‌شود.

۱. کثرت روایات او (در منابع)

۲. اتقان روایات او

۳. اعتناء مشایخ به روایات او (خمینی، روح الله، کتاب الطهارة ج ۱، ص ۲۶۷)

محقق خویی

فتحصل: آن مستند جواز تقدیم صیام ثلاثة أيام إنما هو روایتان: الأولى: رواية الأزرق و الثانية رواية زرارة التي عبر عنها في الجواهر بخبر زرارة أو موثقه (. الجواهر ۱۹: ۱۷۷). فكان نظره عليه السلام إلى ما رواه صاحب الوسائل عن الكليني بسند صحيح عن زرارة عن أحدهما عليه السلام و سهل بن زیاد و إن كان مذكوراً في السند و لكنه غير ضائر، لأنه منضم إلى أحمد بن محمد بن عيسى، فهذه الرواية على ما ذكره الوسائل (الوسائل ۱۴: ۱۹۹ / أبواب الذبح ب ۵۴ ح ۱). في هذا الباب عن الكليني موثقة، و رواه أيضاً في باب آخر (. الوسائل ۱۴: ۱۷۹ / أبواب الذبح ب ۴۶ ح ۲). عن الكليني عن سهل منفرداً عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، و الرواية على هذا النقل ضعيفة لوجود سهل منفرداً في السند. (خوئی سيد ابوالقاسم. موسوعة الإمام الخوئی. ج ۲۹، ۱۴۱۸، ص ۲۷۲).

مسأله این است که اگر حاجی توان قربانی و نیز توان پرداخت قیمت آن را نداشته باشد، باید ده روز روزه بگیرد که سه روز آن در ایام حج است. مسأله دیگر که متفرع بر مسأله قبل است، درباره تقدم آن سه روز، بر روز هفتم ذی الحجة است؛ محقق خویی می‌افزاید مستند جواز، دو روایت است؛ روایت ازرق و روایت زراره.

روایت زراره را کلینی (متوفای ۳۲۹ق) در دو باب نقل کرده که در سند هردوی آن، سهل بن زیاد است با این تفاوت که در یک روایت سهل و احمد بن عیسی اشعری با هم آن را از احمد بن ابی نصر بزنطی نقل کرده‌اند:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ لَمْ يَجِدْ هَدِيًّا وَ أَحَبَّ أَنْ يَقَدَّمَ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ فِي أَوَّلِ الْعَشْرِ فَلَا بَأْسَ . (حر عاملی محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة. ج ۱۴، ص ۱۹۹).

و در روایت دوم سهل بن زیاد همان روایت را به تنهایی از بزنتی نقل کرده است:

وَ عَنْهُمْ . (یعنی محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن سهل عن ... الى آخره)
عَنْ سَهْلٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ لَمْ يَجِدْ هَدِيًّا وَ أَحَبَّ أَنْ يَقَدَّمَ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ فِي أَوَّلِ الْعَشْرِ فَلَا بَأْسَ . (حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج ۱۴، ص ۱۷۹) (الكافی ۴-۵۰۷-۲، و آورده فی الحدیث ۲ من الباب ۴۶ من هذه الأبواب)

بنابر دیدگاه محقق خویی؛ روایت اول به دلیل این که سهل تنها نیست و اشعری هم راوی آن است معتبر می باشد و احتمال می دهد که مراد صاحب جواهر از خبر یا موثقه زراره، همین روایت است. اما روایت دوم به جهت این که سهل از بزنتی منفردا نقل کرده اعتبار ندارد. نتیجه این که محقق خویی سهل بن زیاد را همان طور که در رجال تضعیف کرده در فقه هم روایات او را غیر معتبر می شمارد.

بررسی و نقد تضعیفات سهل بن زیاد

این بخش عهده دار بررسی و نقد تضعیفات سهل و در نهایت اثبات نظر مختار است

۱-۴. نقد کلام کشی

کشی به طور صریح سهل بن زیاد را تضعیف نکرده بلکه تنها چیزی که به او نسبت داده این است که از علی بن محمد قتیبی نقل کرده فضل بن شاذان از سهل راضی نبوده و می گفته او احمق است، اما باید گفت:

اولاً: عدم رضایت فضل دلیل عدم وثاقت سهل نخواهد بود.

ثانیا: عدم رضایت شخص غیر معصوم برای دیگران حجیت ندارد.

ثالثا: از کلمه احمق هم نمی‌توان تضعیف را ثابت کرد نهایتا شاید سهل بن زیاد در نگهداری اسرار اهل بیت علیهم السلام (که شنیدن آن ظرفیت و آمادگی اعتقادی می‌خواسته و مناسب عموم نبوده) دقت کافی را نداشته.

۲-۴. نقد کلام ابن غضائری

احمد بن حسین غضائری هم‌درس و استاد نجاشی (النجاشی احمد بن علی. رجال النجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۹). گفته شده او در تضعیف و جرح رجال حدیث سریع عمل می‌کرده.

میرداماد استرآبادی: فاما ابن الغضائری فمسارع إلى الجرح حرذا مبادر إلى التضعیف شططا (الحسینی المرعشی، المیر محمد باقر، الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیة، قم المقدسة، ۱۴۰۵ هـ ق)

و حتی أَجَلَّهُ و موثقینی مثل احمد بن مهران را تضعیف کرده (ابن غضائری احمد بن حسین. الرجال لابن الغضائری، ۱۳۸۰، ص ۴۲). در حالی که کلینی در کافی بر او ترحم نموده است. از دیدگاه محقق سبحانی تضعیف و توثیق او به شهود و حس مستند نبوده بلکه برخواسته از حدس و استنباط و قرائت متون و روایات بوده. مثل این شهادت نه در توثیق و نه در تضعیف حجیت ندارد. با این وصف، اعتماد بر تضعیف ابن غضائری مشکل است.

سبحانی

و ذلك لما عرفت من أن الرجل كان ذا روحية خاصة، و كان إذا رأى مكروها، اشتدّت عنده بشاعته و كثرت لديه شناعته، فيأتي بألفاظ لا يصحّ التعبير بها إلا عند صاحب هذه الروحية، و لما كان النجاشي على جهة الاعتدال نقل مراره من دون غلوّ و إغراق. و بالجملة الآفة كلّ الآفة في رجاله هو تضعيف الأجلّة و الموثّقين مثل «أحمد بن مهران» قال: «أحمد بن مهران روى عنه الكليني ضعيف» و لكن ثقة الإسلام يروى عنه بلا واسطة، و يترحم عليه كما في باب مولد الزهراء سلام الله عليها (الكافي: ج ۱، الصفحة ۴۵۸، الحديث ۳). قال: «أحمد بن مهران - رحمه الله - رفعه و أحمد بن

إدریس عن محمّد بن عبد الجبّار الشیبانی» إلى غير ذلك من الموارد. ولأجل ذلك لا يمكن الاعتماد على تضعيفاته، فضلا عن معارضته بتوثيق النجاشي خبير الفنّ والشيخ عماد العلم. نعم ربما يقال توثيقاته في أعلى مراتب الاعتبار ولكنه قليل... بل الحقّ في عدم قبوله هو ما أوعزنا إليه من أنّ توثيقاته و تضعيفاته لم تكن مستندة إلى الحسّ و الشهود و السّماع عن المشايخ و الثّقات، بل كانت مستندة إلى الحدس و الاستنباط و قراءة المتون و الروايات، ثمّ القضاء في حقّ الراوي بما نقل من الرواية، و مثل هذه الشّهادة لا تكون حجّة لا في التّضعيف و لا في التّوثيق. نعم، كلامه حجّة في غير هذا المجال، كما إذا وصف الراوي بأنّه كوفي أو بصري أو واقفي أو فطحي أو له كتب، و الله العالم بالحقائق. (سبحاني تبريزي جعفر. كليات في علم الرجال، ۱۳۶۹، ص ۱۰۱).

۳-۴. نقد كلام نجاشي

نظر به عبارت نجاشي، به احتمال زياد مستند او بر ضعف سهل بن زياد، همان شهادت اشعري بر كذب و غلو او است:

سهل بن زياد أبو سعيد الأدمي الرازي: كان ضعيفا في الحديث، غير معتمد فيه. و

كان أحمد بن محمد بن عيسى يشهد عليه بالغلو و الكذب...

در حالي كه خود جناب نجاشي درباره صاحب نواذر الحكمه مي گويد:

أبو جعفر، كان ثقة في الحديث. إلا أن أصحابنا قالوا: كان يروى عن الضعفاء ويعتمد

المراسيل و لا يبالى عمن أخذ و ما عليه في نفسه مطعن في شيء (نجاشي احمد بن

علي. رجال النجاشي، ۱۳۶۵، ص ۳۴۸).

چگونه است كه اولاً روايت صاحب نواذر الحكمه از ضعفاء، ثانياً اعتماد او بر مراسيل و ثالثاً بي مبالاتي در شخصيت رجالي مروى عنه، موجب طعن و ضعف او نمي شود، اما قول اشعري بر كذب و غلو سهل بن زياد موجب تضعيف او مي شود؟ قول اصحاب نجاشي اگر بيشتر از قول و شهادت اشعري نباشد كمتر هم نيست. پس در اين جا يك ناهماهنگي در تضعيفات مرحوم نجاشي ديده مي شود. مگر اين كه ادعا شود تضعيف سهل، توسط نجاشي ارتباطي به شهادت احمد بن محمد بن عيسى اشعري نداشته است. اما اين خلاف برداشت

از ظاهر متن نجاشی است.

۴-۴. غلو مستلزم کاذب بودن راوی نیست

مضاف بر این: بر فرض اگر ادعای غلو علیه سهل صحیح باشد (که بعید به نظر می‌رسد) نهایتاً نشانه انحراف او در مسائل اعتقادی است که بنابر کلام اهل بیت علیهم‌السلام صرف انحراف اعتقادی مانع اخذ روایت از راوی نیست؛ همچون بنی فضال که با وجود انحراف اعتقادی، روایت آنان توسط امام تأیید گردید:

و قد قيل للإمام أبي محمد العسكري عليه السلام - لما ظهرت الفطحية من بني فضال -: ما صنع بكتبهم و بيوتنا ملأى منها؟ فقال: «خذوا ما رووا و دعوا ما رأوا» فلذا كان الطائفة عملت بما رواه بنو فضال. (ابن بابويه محمد بن علی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۵۴۲).

و نیز تعدادی زیادی از رواة عامه که ثقه بودند و روایت آن‌ها مورد قبول خاصه است. پس ممکن است فرد هم‌غالی باشد که مصداق انحراف اعتقادی است و هم صادق. به عبارت دیگر راوی غالی لزوماً کاذب نیست. همان‌طور که راوی عامی یا فطحی لزوماً کاذب نیست.

۴-۵. تردید در اتصاف سهل به غلو

اگر انتساب سهل به غلو توسط اشعری به دلیل نقل روایات ظاهراً غلوآمیز بوده (که ظاهراً به همین دلیل هم است) پس اصل وجود غلو در سهل مورد تردید است چرا که ممکن است او صرفاً بنابر اعتقاد و حدس اشعری، انحراف اعتقادی داشته بوده نه این که در واقع هم چنین بوده. در نتیجه غالی بودن سهل هم ثابت نمی‌شود.

آن‌چه به خوبی روشن نشده، دلیل اخراج سهل از قم توسط احمد بن محمد بن عیسی است. اگر دلیل اخراج او مسأله غلو باشد - چنانچه به نظر نیز همین می‌رسد - این نمی‌تواند دلیلی بر ضعف سهل به حساب آید؛ چون بعضی از عقایدی که اکنون جزء مسلمات دانسته می‌شود، در گذشته غلو و اغراق‌آمیز محسوب می‌شده است. بر این اساس، بعید نیست اخراج سهل از قم منشاء بسیاری از تضعیفاتی باشد که درباره وی صورت گرفته است و رجالیون با ملاحظه این حادثه حکم به تضعیف سهل بن زیاد کرده‌اند. (نور مفیدی، سید مجتبی، مسائل بنیادین

۴-۶. زیاده روی اهل قم در تضعیف راویان

اهل قم در روایت سخت گیر بودند لذا اگر کسی، از ضعفاء نقل می کرده او را اخراج می کردند، به همین جهت، اخراج و تبعید سهل از قم توسط ابن عیسی اشعری نمی تواند دلیل ضعف یا کاذب بودن سهل شود.

به نظر می رسد این اخراج و اخراج های مشابه از قم، تنها به دلیل سخت گیری و اعتقادات خاص قمی ها و در رأس آنها احمد بن عیسی اشعری بوده است، نه این که در واقع هم این افراد دچار انحرافات اعتقادی بوده اند. (نورمفیدی، سید مجتبی، مسائل بنیادین علم رجال، ص ۴۴۷) شاهد این ادعا اخراج احمد بن محمد ابن خالد برقی از قم است؛ وی را با وجود اینکه ثقه و حتی از مشایخ اجازه (مجلسی محمدتقی بن مقصود علی. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. ج ۱۴، ۱۴۰۶، ص ۲۶۱) بوده به دلیل عدم توجه به وثاقت مروی عنه و کثرت نقل از ضعفاء از قم اخراج کردند:

علامه حلی

احمد بن محمد بن خالد بن عبد الرحمان بن محمد بن علی البرقی، منسوب الی برقة قم، أبو جعفر، کوفی، ثقة، غیر انه کثیر الروایة عن الضعفاء و اعتمد المراسیل... و قال [ابن غضائری]: وجدت کتابا فیه وساطة بین احمد بن محمد بن عیسی واحمد ابن محمد بن خالد، و لما توفي مشی احمد بن محمد بن عیسی فی جنازته حافیا حاسرا لیبریئ نفسه مما قذفه به. و عندی ان روایتہ مقبولة (الحلی، العلامة حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، ص ۶۳).

قال ابن الغضائری:

طعنَ علیه القمیون، و لیس الطعن فیه و انما الطعن فیمن یروی عنه، فانه کان لایالی عمان یأخذ - علی طریقة اهل الاخبار- و کان احمد بن محمد بن عیسی ابعده عن قم ثم اعاده إليها و اعتذر إلیه (ابن غضائری احمد بن حسین. الرجال لابن الغضائری، ص ۳۹).

به گفته مرحوم مجلسی احمد بن عیسی اشعری راویان و محدثین زیادی را از قم اخراج و

تبعید کرده و سپس برخی را با پشیمانی و ندامت به قم برگردانده. به نظر می‌رسد او در اجتهاد خود خطا کرده باشد. آیا اگر کسی در نقل حدیث دچار خطا شده باشد باید از شهر و محل زندگی خود اخراج شود؟ در حالی که احمد بن محمد بن خالد و سهل بن زیاد به گفته مرحوم مجلسی از مشایخ اجازه بوده‌اند. شیخ طوسی روایتی را به دلیل حضور سهل بن زیاد کنار نزده است. مرحوم مجلسی روایت‌های سهل بن زیاد را مثل صحیح به شمار آورده است. در کتب و سوالات او از امام هادی و امام عسکری علیهما السلام هم هیچ مطلبی که دلالت بر ضعف یا غلو اعتقادی او کند وجود ندارد.

مرحوم مجلسی

اعلم أن الظاهر أن ابن عيسى أخرج جماعة من قم باعتبار روايتهم عن الضعفاء وإيراد المراسيل في كتبهم و كان اجتهادا منه في ذلك و كان الجماعة يروون للتأييد (أو) لكونها في الكتب المعتمدة، و الظاهر خطأ ابن عيسى في اجتهاده، و لكن لما كان رئيس قم، و الناس مع المشهورين إلا من عصمهم الله.

و لو كنت تلاحظ ما رواه الكليني في أحمد بن محمد بن عيسى في باب النص على أبي الحسن الهادي عليه السلام و إنكاره النص لتعصب الجاهلية بأنه لم قدمتم على في النص و ذكر هذا العذر بعد الاعتراف به، لما كنت تروى عنه شيئا. و لكنه تاب و نرجو أن يكون تاب الله عليه، لكن أكثر الناس تابعون للشهرة.

و إذا كان رجل أخطأ في نقل الحديث كيف يجوز إخراجه من البلد و من مأواه ثم الإرجاع و التوبة و إظهار الندامة كما تقدم في أحمد بن محمد بن خالد، و كيف يجوز طرح الخبر الذي هو فيه سيما إذا كان من مشايخ الإجازة للكتب المشهورة، مع أن المشايخ العظام نقلوا عنه كثرة الإسلام محمد بن يعقوب الكليني و رئيس المحدثين محمد بن بابويه، و شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي، مع أن الشيخ كثيرا ما يذكر ضعف الحديث بجماعة و لم يتفق في كتبه مرة أن يطرح الخبر بسهل بن زیاد، و إن كان ضعف (تبعا للأصحاب) خبره في كتاب فقد وثقه في كتاب آخر، لكن الأمر الذي صار مشتتها يشكل مخالفة المشهور و لهذا جعلنا الأخبار الذي وقع فيه بالقوى كالصحيح.

وثاقت سهل بن زیاد آدمی رازی در رجال و استنباط فقهی □ ۱۰۱

و أما الكتاب المنسوب إليه و مسائله التي سألتها من الهادي و العسكري عليه السلام فذكرها المشايخ سيما الصدوقين فليس فيه شيء يدل على ضعف في النقل أو غلو في الاعتقاد مع أنها قليلة، و الغالب كونه من مشايخ الإجازة و جميع هذه المفاصد نشأ من الاجتهاد و الآراء، (و نرجو من الله تعالى أن يعفو عنهم) و لكن بعد ما عرفت حقيقة الحال يشكل العفو فإن الله تعالى يغفر للجاهل سبعين ذنبا قبل أن يغفر للعالم ذنبا واحدا. (مجلسي محمدتقي بن مقصود علي، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه. ج ۱۴، ۱۴۰۶، ص ۲۶۱)

مامقانی بر این عقیده است که هر کس درباره قدح قمیون در مورد خیلی از مشاهیر مثل یونس بن عبدالرحمن، محمد بن سنان و مفضل بن عمر و غیر آن ملاحظه داشته باشد متوجه می شود که دلیل آن، توهم غلو و انحراف اعتقادی بوده است. لذا اعتماد بر جرح و قدح آنان ممکن نیست بلکه باید سبب جرح و قدح را جستجو کند.

مامقانی

فلا بد حينئذ من التأمل في جرحهم بأمثال هذه الأمور، و من لحظ مواضع قدحهم في كثير من المشاهير كيونس بن عبد الرحمن، و محمد بن سنان، و المفضل بن عمر و أمثالهم عرف الوجه في ذلك، و كفاك شاهدا إخراج أحمد بن محمد بن عيسى لأحمد ابن محمد بن خالد البرقي من قم، بل عن المجلسي الأول أنه أخرج جماعة من قم، بل عن المحقق الشيخ محمد بن صاحب المعالم أن أهل قم كانوا يخرجون الراوي بمجرد توهم الريب فيه، فإذا كانت هذه حالتهم و ذا دیدنهم فكيف يعول على جرحهم و قدحهم بمجرد، بل لا بد من التروى و البحث عن سببه و الحمل على الصحة مهما أمكن، كيف لا و لو كان مجرد اعتقاد ما ليس بضروري البطلان عن اجتهاد موجبا للقدح في الرجل للزم القدح في كثير من علمائنا المتقدمين، لأن كلا منهم نسب الى القول بما ظاهره مستنكر فاسد. (مامقانی عبدالله. مقباس الهداية في علم الدراية. ج ۲، ۱۴۱۱، ص ۳۹۹)

در آن زمان ملاک و ضابطه ای برای تشخیص غالی از غیر آن نبوده لذا برخی از اجله به راحتی متهم به غلو می شدند. پس باید در مورد صحت این نسبت ها تحقیق و بررسی شود و

نباید با صرف وجود این عناوین در کتب رجالی آن را بپذیرد.

سبحانی

فيجب على العالم الباحث، التحقيق في كثير من النسب المرمى بها الأجلّة، لما عرفت من أنّه لم يكن في تلك الأزمنة ضابطة واحدة ليتميز الغالي عن غيره. (سبحانی تبریزی جعفر. کلیات فی علم الرجال. حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹، ص ۴۳۱).

اگر این ادعا مطرح شود که اساسا نجاشی شهادت اشعری را تنها به عنوان یک مؤید برای تضعیف خود آورده، نه این که بخواهد به عنوان دلیل از آن استفاده کند، باز هم در جهت تضعیف و غیر معتمد بودن سهل بن زیاد، قناعت بخش نخواهد بود. چرا که سه قرینه قابل توجه آتی، معارض آن است.

۴-۷. تقدم زمانی کلینی بر رجالیون

محمد بن یعقوب کلینی رازی (۲۵۸-۳۲۹ ق) و در ابتداء ساکن ری و سپس در قم و کوفه و دو سال آخر عمر را در بغداد زندگی کرده. کلینی در کتاب کافی از ابن عیسی اشعری و حتی سهل به زیاد به طور مستقیم روایت دارد. طبق گفته شیخ طوسی او عارف به اخبار بوده (طوسی محمد بن حسن. فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۱۴۲۰، ص ۳۹۳). نجاشی درباره کلینی عنوان شیخ امامیه عصر خود، وجه، اوثق و اثبت آنان را به کار برده است. (نجاشی احمد بن علی. رجال النجاشی، ص ۳۷۷. برای مطالعه مدائحی که درباره کلینی و کتاب او از طرف بزرگان شیعه در طول تاریخ صورت گرفته به کلیات فی علم الرجال آیت الله سبحانی ص ۳۷۳ مراجعه کنید).

سؤال اساسی این است که چطور مرحوم کلینی که معاصر و همشهری ابن عیسی و سهل بن زیاد بوده به این تضعیفات توجه نکرده و نزدیک ۱۶۰۰ روایت اعتقادی و فقهی را از سهل بن زیاد با یک واسطه و بعضا بدون واسطه قبول کرده؟ آیا می شود ادعا کرد که ابن غضائری و نجاشی (متوفای ۴۵۰ ق) به تضعیفات دسترسی داشتند که کلینی در همان شهر و با آن منزلت، از آن بی خبر بوده؟

همین که شیخ کلینی بر ابن غضائری و نجاشی و شیخ طوسی تقدم زمانی داشته و در ری

وثاقت سهل بن زیاد آدمی رازی در رجال و استنباط فقهی □ ۱۰۳

و قم تحصیل کرده، لکن روایات کثیری را از سهل بن زیاد در کتاب کافی نقل کرده است، خود نشانه ضعف و سستی تضعیفات سهل بن زیاد می باشد.

از طرف دیگر کلینی در مقدمه کتاب شریف کافی گفته است تألیف این کتاب را به خواست کسی که می خواسته به روایات صحیح صادقین علیهم السلام دسترسی داشته باشد نوشته است.

و قُلْتَ: إِنَّكَ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عِنْدَكَ كِتَابٌ كَافٍ يَجْمَعُ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ فُنُونِ عِلْمِ الدِّينِ، مَا يَكْتَفِي بِهِ الْمُتَعَلِّمُ، وَ يَرْجِعُ إِلَيْهِ الْمُسْتَشِيرُ، وَ يَأْخُذُ مِنْهُ مَنْ يَرِيدُ عِلْمَ الدِّينِ وَ الْعَمَلَ بِهِ بِالْأَثَارِ الصَّحِيحَةِ عَنِ الصَّادِقِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ... وَ قَدْ يَسَّرَ اللَّهُ - وَ لَهُ الْحَمْدُ - تَأْلِيفَ مَا سَأَلْتَ، وَ أَرْجُو أَنْ يَكُونَ بِحَيْثُ تَوَخَّيْتَ (الكليني،

محمد بن يعقوب، الكافي، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷).

پس به عبارتی یک توثیق عامی از او درباره روایان این کتاب وجود دارد.

اما اگر چنین فرض شود که با توجه به معنای صحت در نزد قدماء، صحت روایات سهل بن زیاد به کمک قرائن خارجی است (چرا که معنای حدیث صحیح در نزد قدماء عبارت از حدیث معتبر است، اعم از این که به کمک قرائن داخلیه مثل وثاقت راوی باشد که بنابر فرض در سهل منتفی است یا قرائن خارجیه مثل وجود خبر در اصول معتبر) (رک: سبحانی تبریزی، جعفر. کلیات فی علم الرجال. حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹، ص ۳۵۸) باز هم نشانه وثاقت سهل خواهد بود. چرا که وقتی بیش حدود هزار و پانصد حدیث صحیح ولو با کمک قرائن خارجیه از کسی برسد نشانه این است که مروی عنه صادق است. یعنی اثبات صحت احادیث فراوان با کمک قرائن خارجی، نشانه غیر مستقیم بر وثاقت راوی است.

۴-۸. نقل ثقات و اجلاء از سهل بن زیاد

از قرائن وثاقت سهل بن زیاد، روایت ثقات و اجلاء از وی می باشد. برخی بزرگان و ثقات حدیثی که از او نقل حدیث کرده اند عبارت است از:

۱. محمد بن الحسن الصفار القمی

النجاشی: کان وجهها فی أصحابنا القمیین، ثقة عظیم القدر راجحاً قلیل السقط فی الروایة

(. نجاشی احمد بن علی. رجال النجاشی، ص ۳۵۴).

۲. محمد بن یحیی العطار ابوجعفر

النجاشی: شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة، عین، کثیر الحدیث (نجاشی احمد بن علی. رجال النجاشی، ص ۳۵۳).

۳. محمد بن احمد بن یحیی صاحب نوادر الحکمة

النجاشی: أبو جعفر، کان ثقة فی الحدیث إلا أن أصحابنا قالوا: کان یروی عن الضعفاء و یعتمد المراسیل و لا یبالی عمن أخذ و ما علیه فی نفسه مطعن فی شیء (نجاشی احمد بن علی. رجال النجاشی، ص ۳۴۸).

الطوسی: الأشعری، صاحب نوادر الحکمة (طوسی محمد بن حسن. رجال الطوسی، ص ۴۳۸).

۴-۹. کثرت نقل اجلاء از سهل بن زیاد

اما مهم تر از قرینه نقل اجلاء از سهل، کثرت نقل اجلاء و ثقات از وی است، که در حقیقت اعتباری بالاتر قرینه دارد و در حد یک دلیل مستقل بر وثافت مروی عنه خواهد بود. زیرا جای سؤال جدی است که چگونه بزرگانی از روات، تعدادی فراوانی از احادیث را از شخصی که متصف به کذب و غلو است نقل کنند؟

إن كثرة النقل عن شخص آية كون المروي عنه ثقة، و إلا عاد النقل لغوا و مرغوبا عنه، و هذا بخلاف قلة النقل، فإنه - مع كونه أمرا متعارفا - يمكن أن يكون للنقل غايات اخرى، غير الاعتماد و هو تعضيد سائر الروايات و التقول، و هذه منتفية فيما إذا كثر النقل عن شخص (سبحانی تبریزی جعفر. کلیات فی علم الرجال، ص ۳۵۰).

برخی از کسانی که از سهل بن زیاد، روایات زیادی را نقل کرده اند اسامی زیر است:

۱. محمد بن یعقوب الكلینی

۲. علی بن محمد علان الكلینی؛ یکی از عده من اصحابنا (العلامة الحلی، أبی منصور الحسن

بن یوسف، خلاصة الاقوال فی معرفة احوال الرجال، مؤسسة نشر الفقاهة، ص ۴۳۰).

النجاشی: المعروف بعلان یکنی أبا الحسن. ثقة، عین، له (نجاشی، احمد بن علی، رجال

النجاشی، ص ۲۶۰).

الطوسی: محمّد بن إبراهیم، المعروف بعلان الكلینی، خیر (الطوسی، محمد بن حسن. رجال

الطوسی، ص ۴۳۹).

با وجود اعتماد بزرگان از سهل، قرارگرفتن نام وی در مستثنیات نوادر الحکمه هم موجب تضعیف او نخواهد شد. (نورمفیدی، مسائل بنیادین علم رجال، ص ۴۴۷).

نتیجه

تضعیف سهل بن زیاد مبنی بر غلو است؛ اجتهاد شخصی اشعری این بوده که سهل، روایات غلوآمیز را نقل می‌کند، لذا کاذب است. تضعیفات ابن غضائری به دلیل روایات خاص او قابل قبول نیست و تضعیف نجاشی هم بنابر ظاهر عبارت وی برخواسته از شهادت و تضعیف ابن عیسی اشعری است. عبارات شیخ طوسی هم درباره سهل متعارض است لذا از اعتبار ساقط می‌شود. بر فرض اگر تضعیفات نجاشی به رفتار و شهادت اشعری هم ارتباطی نداشته باشد، کثرت نقل اجلاء مخصوصاً محمد بن یعقوب کلینی و علی بن محمد بن علان کلینی از سهل و هم‌چنین این‌که محمد بن یعقوب کلینی حدود ۱۰۰ سال بر ابن غضائری و نجاشی تقدم زمانی داشته و معاصر سهل بوده و هم‌چون او در ری و قم می‌زیسته و بیش از ۱۵۰۰ روایت را در کافی شریف از او نقل کرده است، همه این‌ها دلیل مخدوش بودن تضعیفات سهل بن زیاد و توثیق او می‌باشد.

کتابنامه

- البرقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، رجال البرقی، منشورات جامعة طهران، طهران.
- الحر العاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، ١٤١٦ق، الثالثة.
- الحسینی العاملی، محمدجواد بن محمد. مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة (ط. القديمة)، دار إحياء التراث العربی، بیروت، الاولى.
- الخوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ١٣٧٢، الخامسة.
- السبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، مؤسسة الامام الصادق عليه السلام، قم، ١٤٤٢ق، التاسعة.
- الشهید الثاني، زين الدين بن علي، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٣.
- الصدوق، ابن بابويه محمد بن علي. من لا يحضره الفقيه، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ١٣٦٣، الثانية.
- الطوسي، محمد بن حسن، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، دار الكتب الإسلامية، ١٣٦٣.
- _____ رجال الطوسي، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٢٧.
- _____ فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول. مكتبة المحقق الطباطبائي، ١٤٢٠.
- العلامة الحلبي، أبي منصور الحسن بن يوسف، خلاصة الاقوال في معرفة احوال الرجال، مؤسسة نشر الفقاهة.
- الكشي، محمد بن عمر. اختيار معرفة الرجال، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ١٤٠٤.
- الكليني، محمد بن يعقوب، الكافي، دار الحديث. سازمان چاپ و نشر، قم، ١٣٨٧، الأولى.
- المامقاني، عبدالله، مقباس الهداية في علم الدراية، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ١٤١١.
- المجلسي، محمدتقي، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، بنياد فرهنگ اسلامي كوشانيور، ١٤٠٦.

وثاقت سهل بن زياد آدمي رازي در رجال و استنباط فقهى □ ١٠٧

المحسنى، محمد آصف، بحوث فى علم الرجال، مركز بين المللى ترجمه و نشر المصطفى ﷺ،
قم، ١٣٩٨ ش، الرابعة.

المحقق الحلى، شيخ نجم الدين جعفر بن الحسن بن يحيى بن سعيد، المعبر فى شرح
المختصر، مؤسسة سيد الشهداء، قم، الاولى، ١٤٠٧ ق.

المقدس الاردبيلى، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان، مؤسسة
النشر الإسلامى، قم، الاولى.

النجاشى، احمد بن على، رجال النجاشى، مؤسسة النشر الإسلامى، قم، ١٣٦٥.

النجفى، محمد حسن بن باقر. جواهر الكلام (ط. القديمة)، دار إحياء التراث العربى، بيروت،
السابعة.

نورمفيدى، سيد مجتبى، مسائل بنيادين علم رجال، بوستان كتاب، قم، ١٣٨٩ ش، اول.

